



دوره ۷ - شماره ۱۹ - بهار ۱۴۰۳

تحلیل فقهی و حقوقی اجاره بر اساس واحد زمان

همایون مافی، رضا احمدی لمراسکی

مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تقنینی ایران و انگلستان در قبال آزارگری عاطفی

بهروز جوانمرد، سحر فاطمی

جایگاه زنان در افغانستان از منظر حقوق بین الملل بشر

محسن مولائی فرد، هادی مسعودی فر

تحلیل شرایط اساسی تشکیل قرارداد در انعقاد قراردادهای الکترونیکی؛ مسئولیت‌ها و مجازات‌ها

زهرا انصاری فر، مریم کمائی

بررسی جبران هزینه‌ها و امکان درخواست قرار تأمین هزینه‌ها در تأمین مالی داوری بین المللی توسط شخص ثالث

محمد مهدی اسدی

امکان سنجی تعقیب کیفری و حقوقی مقامات حکومتی در نقض حق سلامتی شهروندان (با تأکید بر کروناویروس)

محمد سعید حسینی، محمد جواد جاوید

معاونت در جرم در حقوق آمریکا و ایران؛ مطالعه‌ای با تأکید بر ابزارگرایی کیفری

روح الله آهنگران

جایگاه عقل در استنباط احکام فقهی

علی کریمی، حسن صادقیان مشکانی، سید محمد حسین جزایری

واکاوای حقوق زندانیان با رویکردی بر نهادهای داخلی و بین المللی

سیده مهشید میری بالاچورشری، امیررضا محمودی

تأثیر قرارداد بیست ساله بر روابط دوجانبه میان ایران و روسیه در دولت سیزدهم

سید امین حسینی، احمد شوهانی، ایرج مروتی

ارتقای حقوق فرهنگی در پرتو دین اسلام و نظام حقوقی ایران

علیرضا انصاری مهبیاری، زهرا سادات حسینی

جرایم ثبتی اسناد و املاک در حقوق کیفری ایران

امیر اسماعیلی، نوید معتمدآریا، فاطمه نظرپور

معیار تفکیک شکنجه از سایر رفتارهای غیرانسانی

ماهان قربانی پس‌ویشه

استثنائات اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات در برابر دارنده با حسن نیت

سارا فرزادی مهر، شاپور محمد حسینی، محمدرضا حقیقی

سندرم زن کتک خورده و دفاع مشروع: اختلافی قانونی و تجربی

مریم فرحی

آثار ضمانت حسن انجام تعهد در حقوق ایران

اصلان علیزاده



The Criteria for Distinguishing Torture from other Inhuman Treatment

معیار تفکیک شکنجه از سایر رفتارهای غیرانسانی

Mahan Ghorbani Pasvisheh
Master of Criminal Law and Criminology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

ماهان قربانی پس‌ویشه
کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
mahanghp@yahoo.com
<http://orcid.org/0009-0000-8360-8123>

Abstract

The right to be free from "torture" and "other inhuman treatments" is one of the fundamental human rights that was established in order to protect the physical and mental well-being of a person and requires a healthy human being in two dimensions. In the vast majority of international documents and, as a result, the domestic laws of countries, next to "torture", "cruel, inhuman and degrading treatments or punishments" are mentioned, without specifying a precise criterion for separating these terms. Due to the scope of the issue, this article is limited to identifying a criterion for verifying torture from other inhuman treatments and not punishments. By studying and analyzing the general and specific international documents and the judicial procedures of the international courts, it was determined that several criteria have been provided to distinguish between these ill-treatments. Among them is the intensity criterion, which according to the findings of this research, seems to be a more correct criterion. Also, the intensity of a treatment is a function of other factors such as age, sex of the victim etc.

Keywords: Torture, Cruel Treatment, Inhuman Treatment, Degrading Treatment, The Criterion of Intensity.

چکیده

حقّ رهایی از «شکنجه» و «سایر رفتارهای غیرانسانی»، از جمله حقوق بنیادین است که در راستای حمایت از تن و جان آدمی شکل گرفته و بیان‌گر انسانی سالم در دو بعد پیش‌گفته است. در اکثر قریب به اتفاق اسناد بین‌المللی و به تبع آن‌ها قوانین داخلی کشورها، در کنار «شکنجه» به «رفتار یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز»، بدون این‌که معیار دقیقی برای تفکیک این اصطلاحات بیان شده باشد، اشاره رفته است. با توجه به گستردگی موضوع، این نوشتار محدود به شناسایی معیاری برای احراز شکنجه از سایر رفتارها و نه مجازات‌های غیرانسانی است. با مطالعه و تحلیل اسناد بین‌المللی عام، خاص و رویه قضایی مراجع بین‌المللی مشخص گردید که معیارهای متعددی برای تفکیک این سوءرفتارها ارائه شده است. از جمله آن‌ها، معیار شدت است که با توجه به یافته‌های این پژوهش، معیاری صحیح‌تر به‌نظر می‌رسد. همچنین میزان شدت یک رفتار، خود تابعی از عوامل دیگر همچون سن، جنس بزه‌دیده و... است.

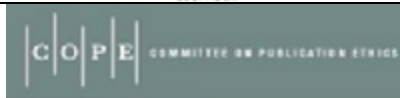
واژگان کلیدی: شکنجه، رفتارهای ظالمانه، رفتارهای غیرانسانی، رفتارهای تحقیرآمیز، معیار شدت.

ارجاع:

قربانی پس‌ویشه، ماهان؛ (۱۴۰۳)، معیار تفکیک شکنجه از سایر رفتارهای غیرانسانی، تمدن حقوقی، شماره ۱۹.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

پژوهش‌های بسیاری به بعدهای حقوقی، تاریخی و روان‌شناسانه شکنجه پرداخته‌اند که خود نشان از اهمیت این سوءرفتار در تاریخ بشر دارد. مقصود این نوشتار اما، پرداختن به معیار تفکیک «شکنجه» از «سایر رفتارهای غیرانسانی» است. به‌شکلی دقیق‌تر، در اسناد بین‌المللی مختلف با اصطلاحات متنوعی روبرو هستیم: شکنجه، رفتارهای ظالمانه، رفتارهای غیرانسانی و رفتارهای تحقیرآمیز.^۱ پرسش این است که معیار یا ملاک تفکیک این سوءرفتارها چیست؟ شناسایی این رفتارها از یکدیگر مثمرتر است چراکه هم بر میزان مجازات بزه‌کار و هم بر چهره عمومی دولت تأثیر دارد.

مسئله روشن در این باره، عدم ارائه تعریفی دقیق از عنوان «سایر رفتارهای غیرانسانی» در منابع مرتبط با موضوع است. در پاسخ به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر^۲ پیش‌نویس کنوانسیون منع شکنجه را به‌عنوان جایگزین قطعنامه اعلامیه حمایت از همه افراد در مقابل شکنجه و سایر رفتار یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز مصوب ۱۹۷۵ میلادی ارائه کرد. به همین منظور، کمیسیون یک کارگروه جهت بررسی تفکیک میان شکنجه و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز

۱- البته در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به رفتار و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز اشاره شده است که به علت پرهیز از گسترده شدن موضوع، این نوشتار صرفاً محدود به احراز معیاری برای تفکیک شکنجه از سایر رفتارها و نه مجازات‌های غیرانسانی است.

۲- اکنون شورای حقوق بشر

تشکیل داد. این کارگروه بیان داشت که به موجب کنوانسیون آتی کشورهای عضو مکلف خواهند شد تا این سوءرفتارها را در قوانین ملی خود جرم‌انگاری نمایند، اما اجرای این تکلیف بسیار مشکل خواهد بود چراکه این مفاهیم مبهم‌اند. لذا کارگروه به این نتیجه رسید که اگرچه می‌توان در پیش‌نویس به تعریف دقیقی از شکنجه دست یافت، این امکان برای سایر رفتارهای غیرانسانی ممکن نخواهد بود. همین بلا تکلیفی در تفکیک این سوءرفتارها به سوءاستفاده برخی دولت‌ها از «شکاف» میان این دو دسته که مبتنی بر میزان شدت این سوءرفتارها است منجر می‌شود (De Vos, 2007, 5). به همین جهت می‌توان گفت اصولاً به سایر رفتارهای غیرانسانی در مقایسه با شکنجه، کمتر توجه شده است.

بسیار اهمیت دارد که مقصود خود از واژگان یا اصطلاحات به کار رفته در متن را تا حد توان روشن ساخت. زیرا حقوق از اساس در زبان نمود می‌یابد، بنابراین این زبان باید روشن و مفهوم باشد. «در یک چشم‌انداز کلی، حتی می‌توان نقض حقوق شهروندی، تبعیض، بی‌عدالتی و کاهش امنیت عمومی را در نامفهوم‌ی زبان قانون متصور بود» (خضری، ۱۴۰۱، ۱۷). بر این پایه، این که مقصود از یک اصطلاح خاص چیست، اهمیت زیادی دارد. لذا در هر موضوعی و از جمله موضوع این نوشتار ضروری است مفهوم واژگان به کاررفته مشخص باشد تا هم انسان‌ها حق خود را به درستی و دقت بشناسند و هم متن دچار مبهم‌گویی نشده باشد.

برای دریافت درک کلی از سایر رفتارهای غیرانسانی غیر از شکنجه، لازم است به اسناد بین‌المللی رجوع کرد که ممنوعیت آن‌ها را بیان داشته‌اند. همان‌طور که خواهد آمد، اسناد تعریف دقیقی از این اصطلاحات ارائه نمی‌دهند ولیکن توجه جامعه بین‌المللی را به این سوءرفتارها جلب و دولت‌های عضو را ملزم می‌کنند که صرفاً مقوله شکنجه را مدنظر قرار ندهند بلکه در کنار آن به چنین سوءرفتارهایی نیز بپردازند. بنابراین نخست به منابع بین‌المللی عام و در گام بعدی به منابع بین‌المللی خاص یا منطقه‌ای که به موضوع مرتبط هستند پرداخته می‌شود و در آخر نیز تحلیل نهایی نگارنده از معیار تفکیک این اصطلاحات ارائه می‌گردد.

۱- معیار تفکیک در اسناد بین‌المللی

اسناد بر اساس قلمرو و شمولیت اعضای‌شان به دو دسته تقسیم می‌گردند: عام و خاص یا منطقه‌ای. این تقسیم‌بندی بر اساس جغرافیای اسناد بین‌المللی صورت می‌گیرد. به گفته‌ای بهتر، در اسناد بین‌المللی عام

(مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر)، تمام کشورهای جهان، اما در اسناد بین‌المللی خاص فقط کشورهای یک منطقه (مانند منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم) یا کشورهایی که یک ویژگی مشترک (مانند اسلامی بودن در اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام) دارند می‌توانند عضو شوند.

۱-۱- منابع بین‌المللی عام

۱-۱-۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر

گران‌بهارترین دستاورد جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد بود. سازمانی که حقیقتاً جهانی و دارای قدرت‌های مؤثر برای حفظ صلح است (تیلور، ۱۳۹۷، ۴۰۸). پس از اتمام جنگ، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، اتحاد جماهیر شوروی و چین سعی بر ایجاد سازمانی بین‌المللی برای تضمین حقوق بشر داشتند تا سرانجام در ژوئن ۱۹۴۵ میلادی منشور ملل متحد^۳ تصویب می‌شود. بند (پ) ماده ۵۵ منشور ملل متحد کشورهای عضو را به احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی فارغ از نژاد، جنس، زبان یا مذهب تشویق می‌کند. سه سال بعد از تصویب منشور، مجمع عمومی ملل متحد که رکنی از سازمان پیش‌گفته است، اعلامیه جهانی حقوق بشر را در دهم دسامبر ۱۹۴۸ میلادی تصویب می‌نماید. آنچه از این سند دقیقاً به موضوع ما مربوط است، ماده ۴۵ آن می‌باشد. همان‌طور که مشخص است این ماده به تفکیک اصطلاحات «شکنجه»، «رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز» را ممنوع اعلام می‌کند اما هیچ تعریفی از آن‌ها ارائه نمی‌دهد.

۱-۱-۲- کنوانسیون‌های ژنو^۵

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو برای حمایت از بزه‌دیدگان مخاصمات مسلحانه در سال ۱۹۴۹ میلادی تصویب شدند. سومین کنوانسیون که به حمایت از اسیران جنگی می‌پردازد در ماده ۱۷ اشاره دارد: «به منظور تضمین در امان ماندن اطلاعات اسیران جنگی، هیچ‌گونه شکنجه جسمانی یا روانی و یا هیچ شکلی دیگر از اجبار را نمی‌توان بر آن‌ها اعمال کرد». این سند صرفاً به منع شکنجه و اجبار با هدف خاص حفظ اطلاعات اسیران اشاره دارد. این هدف خاص در غالب تعریف‌ها از شکنجه موجود است که بعدتر و در قسمت تحلیل نهایی بدان پرداخته می‌شود. نکته دیگر این که جان کلام این ماده گویی حمایت از ارزش

3- Charter of The United Nation, 1945

۴- هیچ‌کس را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات رفتاری ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرارداد.

5- The Geneva Conventions, 1949

«اطلاعات» موجود در نزد اسیران است تا این که بیشتر خود آن افراد در مرکز حمایت باشند که این به گونه‌ای نادیده گرفتن ارزش «حیثیت انسانی» اسیران است.

کنوانسیون چهارم نیز که به حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه می‌پردازد در ماده ۳۲ بیان می‌دارد: «دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که هرگونه رفتاری که باعث رنج جسمانی یا نابودی افراد تحت نگهداری آن‌ها شود ممنوع است. این ممنوعیت نه تنها شامل قتل عمد، شکنجه، مجازات بدنی، مثله کردن و آزمایش‌های پزشکی یا علمی که هدف درمان ندارند می‌شود، بلکه شامل سایر اقدامات وحشیانه از سوی افراد نظامی یا غیرنظامیان نیز است.» این اسناد نیز تعریفی از اصطلاحات به کار رفته یعنی شکنجه، اجبار و اقدام وحشیانه ارائه نمی‌دهند.

براساس ماده ۱۳۰ کنوانسیون سوم و ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم، شکنجه یا رفتار غیرانسانی از جمله آزمایش‌های بیولوژیکی که عمداً باعث رنج زیاد و آسیب شدید به بدن یا سلامتی اسیر جنگی شود، نقض فاحش^۶ کنوانسیون‌های مزبور محسوب می‌شود که براساس ماده ۱۲۹ کنوانسیون سوم و ماده ۱۴۶ کنوانسیون چهارم، دولت‌های عضو مکلف‌اند این اقدامات را در نظام حقوقی ملی خود جرم‌انگاری کنند و مرتکبان این دست از سوءرفتارها و نیز آمران آن‌ها را کیفر دهند. در اینجا با توجه به مثالی که از رفتارهای غیرانسانی زده شده است (آزمایش‌های پزشکی) می‌توان نتیجه گرفت که منظور کنوانسیون این است که مرتکب رفتارهای غیرانسانی ممکن است آن هدف خاص اخذ اطلاعات را نداشته باشد چراکه این هدف در آزمایش پزشکی مطرح نیست لذا «هدف مرتکب»، ملاک تفکیک شکنجه از سایر رفتارهای غیرانسانی معرفی شده و «شدت» را قیدی مشترک برای شکنجه و رفتارهای غیرانسانی ذکر کرده است.

همچنین ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو که شامل مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی و در راستای حمایت از افرادی است که شرکت فعالی در مخاصمه ندارند، به لزوم احترام به حیثیت آن‌ها اشاره دارد و برای این مقصود رفتارهایی را ممنوع اعلام می‌کند: «خشونت علیه حیات شخص به‌ویژه هر نوع از قتل، مثله کردن، رفتار ظالمانه، شکنجه، توهین به حیثیت شخصی به‌ویژه رفتار غیرانسانی و تحقیر آمیز». علاوه بر این‌ها در سال ۱۹۷۸ میلادی پروتکل نخست الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو در ماده ۷۵ این ممنوعیت را به همه افراد فارغ از وضعیت شان در مخاصمات مصلحانه بین‌المللی سرایت داد. این ماده شکنجه و همچنین

تجاوز به حیثیت شخصی و به‌ویژه رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز را در هر زمان و مکانی در اثنای یک مخاصمه بین‌المللی ممنوع می‌داند. همچنان مفهوم این اصطلاحات مبهم باقی مانده است.

۳-۱-۱- قواعد حداقلی استاندارد برای رفتار با زندانیان^۷

این قواعد در سال ۱۹۵۵ میلادی و توسط اولین کنگره بین‌المللی پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان در ژنو تصویب و توسط شورای اقتصادی، اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۷ میلادی تأیید شد. در مقدمه آن بیان شده که هدف از قواعد این است که مبنایی برای رفتار خوب و درست با زندانیان در مؤسسه‌ها باشد. این قواعد با اعلام و به رسمیت شناختن حقوق بهداشتی، غذایی، داشتن امکانات شخصی، طبقه‌بندی زندانیان و... سرانجام در بند سی و یکم مجازات بدنی، سلول تاریک، هر نوع مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز را به‌عنوان تنبیه انضباطی به‌طور کلی منع می‌کند. روشن است که این بند به «رفتار» اشاره‌ای ندارد و فقط به «مجازات» و آن‌هم به‌عنوان تنبیه انضباطی پرداخته است که از این جهت ناقص به‌نظر می‌رسید.

این قواعد در تاریخ هفدهم دسامبر ۲۰۱۵ میلادی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد و با نام قواعد حداقلی استاندارد سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان (قواعد نلسون ماندلا)^۸ بازبینی شد. این بار گویی توجه بیشتری به حقوق زندانیان شده است چراکه محتوای قاعده سی و پنجم، در نسخه جدید در قاعده اول آمده است. بدین صورت که با همه زندانیان به دلیل حیثیت و کرامت ذاتی آن‌ها باید با احترام رفتار شود. هیچ زندانی‌ای نباید در معرض شکنجه و دیگر رفتار یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد و هیچ اوضاع و احوالی دلیل بر نقض این حقوق نیست و ایمنی و امنیت زندانیان، کارکنان، ارائه‌دهندگان خدمات و بازدیدکنندگان باید همیشه تضمین شود. آن دو ایراد در این بازبینی اصلاح شد اما این سند نیز مانند دیگر اسناد تعریفی از اصطلاحات مدنظر بیان نمی‌کند.

۴-۱-۱- میثاق حقوق مدنی و سیاسی^۹

آنچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده بود، به موجب تصویب میثاق حقوق مدنی و سیاسی در سال

7- Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners, 1955

8- United Nations Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners (the Nelson Mandela Rules), 2015

9- International Covenant on Civil and Political Rights, 1966

۱۹۶۴ میلادی به معاهده تبدیل شد. ماده ۱۰۷ این سند دقیقاً تکرار ماده ۳ اعلامیه مزبور است با این تفاوت که ممنوعیت دیگری را اضافه کرده که ناشی از محاکمه پزشکان نازی در دادگاه نورنبرگ می باشد (Weissbrodt & Heilman, 2011, 351). میثاق در ماده ۴ بیان می دارد که ممکن است برخی از حقوق مندرج در این سند در شرایط اضطراری که حیات یک ملت در خطر است، از سوی دولت های عضو نقض شوند اما در بند دوم، حق موجود در ماده ۷ را از این امکان مستثنی می کند. به عبارت دیگر دولت های عضو این میثاق نمی توانند هیچ اوضاع و احوالی را دستاویزی برای اعمال شکنجه یا مجازات یا رفتاری ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار دهند. علاوه بر ماده ۷، ماده ۱۰ نیز به احترام بر حیثیت افراد محروم از آزادی اشاره دارد.

درون این سند نیز تعریفی از اصطلاحات مورد بحث نیامده است اما کمیته حقوق بشر که نهاد ناظر و نیز مفسر این میثاق محسوب می شود در دو نظریه خود بیان داشته است؛ همان طور که در میثاق، تفکیکی میان رفتارها مقرر نشده است، این کمیته نیز لازم نمی بیند که میان این رفتارها تفکیکی قائل شود و فهرستی از بدرفتاری ها ارائه دهد بلکه تفاوت صرفاً در ماهیت و شدت رفتار و هدف مرتکب در نظر گرفته می شود.^{۱۱} این دو تفسیر ارائه شده کمی مبهم به نظر می رسند، چرا که این نهاد از سویی تفکیک را لازم نمی بیند و از سویی معیارهای تفکیک را به صورت ترکیبی بیان می کند، گویی کمیته نیز معتقد به تفاوت این اصطلاحات است اما خود را درگیر ارائه تعریفی دقیق نمی کند.

۵-۱-۱- قطعنامه اعلامیه حمایت از همه افراد در مقابل شکنجه و سایر رفتار یا مجازات های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز^{۱۲}

این قطعنامه در تاریخ نهم دسامبر ۱۹۷۵ میلادی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد. ماده ۱ و در بند اول^{۱۳} به تعریف شکنجه می پردازد. اما بند دوم^{۱۴} این ماده اشاره ای کوتاه به سایر سوء رفتارها

۱۰- هیچ کس را نمی توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات ها یا رفتارهای ظالمانه یا غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار داد. مخصوصاً قرار دادن یک شخص تحت آزمایش های پزشکی یا علمی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است.

11- General Comment No. 7, Article 7: Prohibition of Torture, or Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, Sixteenth session (1982). And General Comment No. 20, Article 7: Prohibition of Torture, or Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, Forty Fourth Session (1992).

12- Declaration on the Protection of All Persons from Being Subjected to Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, 1975.

۱۳- هرگونه عملی که درد یا رنج شدید جسمانی یا روانی را به عمد و به وسیله یا بر اثر تحریک مأموران دولتی با هدف کسب اطلاعات یا اخذ اقرار و یا برای ارتکاب یک عمل و یا به علت مظنون بودن فرد به ارتکاب آن عمل و یا ترساندن او

می‌کند که نقش مهمی در تفکیک شکنجه از آن‌ها دارد. نقش این بند مهم خوانده شد زیرا معیار شدتی که دیوان اروپایی حقوق بشر برای تفکیک شکنجه از سایر سوءرفتارها به کار می‌گیرد گوی ریشه در همین بند دارد.^{۱۵} البته باید ذکر شود که این بند در کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز مصوب سال ۱۹۸۴ میلادی حذف شده است و بند دوم ماده نخست این کنوانسیون به موضوع دیگری می‌پردازد.

۶-۱-۱- کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز

این سند از نظر موضوعی خاص است و دولت‌های عضو را مکلف می‌کند که با به‌کارگیری تدابیری از وقوع شکنجه و سایر سوءرفتارها پیشگیری کرده و آن‌ها را منع و جرم‌انگاری نمایند. در آغاز اشاره به نکته‌ای ضروری است و آن این که در عنوان این کنوانسیون از اصطلاحات «شکنجه»، «رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز» استفاده شده است، حال آن که در متون حقوقی مربوط به این سند در زبان انگلیسی از کوتاه‌نوشت (CAT)^{۱۶} و در فارسی از عنوان «کنوانسیون منع شکنجه» استفاده می‌شود. این خود نشان از کم‌توجهی به بزه‌دیدگان سوءرفتارهایی است که شکنجه نیستند اما ناقض حیثیت انسانی‌اند چون این کنوانسیون فقط مربوط به شکنجه نیست. به گفته‌ای بهتر، همان‌قدر که رفتاری شدید (شکنجه) علیه تن یا جان آدمی اهمیت دارد، رفتاری که شاید درد شدیدی وارد نیابد اما حیثیت و شخصیت انسانی را نابود کند مهم است. بنابراین در نوشتار نباید از واژگانی استفاده شود که بزه‌دیدگان سوءرفتارهایی غیر از شکنجه نادیده گرفته شوند. زیرا به‌طور کلی مهم‌ترین مسئله برای بزه‌دیدگان، در گام نخست، به رسمیت شناختن آن‌ها است (Hirigoyen, 2017, 15). بنابراین پیشنهاد می‌شود از کوتاه‌نوشت (CATI)^{۱۷} در نوشتار انگلیسی و عنوان «کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی» در نوشتار فارسی استفاده شود.

این کنوانسیون نیز مانند میثاق حقوق مدنی و سیاسی هیچ وضعیتی را توجیه‌کننده ارتکاب رفتارهای

یا اشخاص دیگر، بر شخص مورد نظر یا شخص ثالثی وارد آورد. شکنجه شامل درد رنجی که فقط متناسب با مجازات قانونی یا نتیجه حاصل شده از آن مجازات تا حدی که منطبق با حداقل اصول استاندارد رفتار با زندانیان باشد نمی‌شود.

۱۴- شکنجه عبارت است از نوع تشدید شده و عمدی رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز.

15- Case of Ireland v. The United Kingdom, Application no. 5310/71, 18 January 1978, para. 167.

16- Convention Against Torture

17- Convention Against Torture and Ill-treatments

ممنوع شده نمی‌داند. بند اول^{۱۸} ماده ۱ نیز شکنجه را تعریف می‌کند. این تعریف از شکنجه تقریباً همان تعریفی است که در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۵ میلادی آمده بود با این تفاوت که تعریف اخیر با بیان «هر دلیل دیگری که مبتنی بر شکلی از اشکال تبعیض باشد» اهداف شکنجه‌گر را توسعه بخشید و به موارد یاد شده در آن قطعنامه محدود نکرد. همچنین مشخص است که فقط اصطلاح شکنجه تعریف شده است و به سایر اصطلاحات پرداخته نشده که این ریشه در تاریخ پیش‌نویس کنوانسیون مزبور دارد (Ddamulira, 2015, 99). اما بند اول^{۱۹} ماده ۱۶ به سایر اصطلاحات بدون ارائه تعریف اشاره کرده است.

به نظر می‌رسد که این عدم توافق و سرگردانی در تعریف سوء رفتارها در اظهار نظر کمیته منع شکنجه نیز وجود دارد چرا که این کمیته در بند سوم نظریه تفسیری شماره ۲ بیان می‌دارد؛ در عمل، آستانه تعریفی میان سوء رفتارها و شکنجه غالباً مشخص نیست و تجربه نشان می‌دهد که شرایطی که منجر به وقوع سوء رفتارها می‌شوند، اغلب وقوع شکنجه را تسهیل می‌نمایند. اما در ادامه و در بند دهم همین نظریه اشاره می‌کند که در مقایسه با شکنجه، سایر سوء رفتارها ممکن است از نظر شدت درد و رنج متفاوت باشند و همچنین برای تحقق، نیازی به اثبات اهداف غیرمجاز نداشته باشند.^{۲۰} بنابراین این کمیته نیز ملاک تفکیک شکنجه از سایر سوء رفتارها را «شدت» و «هدف» می‌داند.

۱۸- از نظر این کنوانسیون اصطلاح شکنجه به هر رفتاری اطلاق می‌شود که به‌عمد درد یا رنج شدید جسمی یا روانی به شخص وارد آورد، به منظور اهدافی مانند اخذ اطلاعات یا اقرار از شخص مورد نظر یا شخص ثالث، یا تنبیه شخص مورد نظر یا شخص ثالث به اتهام عملی که وی مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب آن است، یا به منظور ارعاب، تخویف یا اجبار شخص مورد نظر یا شخص ثالث و یا به هر دلیل دیگری که مبتنی بر شکلی از اشکال تبعیض باشد، منوط به این‌که چنین درد و رنجی توسط کارگزار دستگاه حاکم یا هر شخص دیگری که در سمت مأمور قرار دارد یا به موجب ترغیب یا رضایت صریح یا ضمنی مأمور مزبور تحمیل شده باشد، درد و رنج ناشی از خصیصه ذاتی یا عارضی مجازات‌های قانونی خارج از تعریف فوق است.

۱۹- هریک از کشورهای طرف کنوانسیون متعهد می‌شود که در تمام قلمرو تحت صلاحیت قضایی خود از هر نوع اعمال مجازات و یا رفتار ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز دیگری که در شمول تعریف شکنجه در ماده اول قرار ندارد نیز جلوگیری نماید منوط به این‌که این اقدام از سوی مأمور دولت یا شخص دیگری که به‌طور رسمی انجام وظیفه می‌نماید، یا به تحریک یا رضایت صریح یا ضمنی وی انجام گرفته باشد. به‌طور خاص تعهدات اعلام‌شده در ماده‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ که نسبت به شکنجه اعمال گردیده به‌طور قابل جایگزین نسبت به انواع دیگر مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قابل اعمال خواهد بود.

20- Committee Against Torture, General Comment No. 2, Implementation of article 2 by States parties, CAT/C/GC/2, 24 January 2008

۲-۱- منابع بین‌المللی خاص یا منطقه‌ای

۱-۱-۲- اعلامیه آمریکایی و کنوانسیون سازمان دولت‌های آمریکایی^{۲۱}

چند ماه پیش از اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف انسان^{۲۲} در نهمین کنفرانس بین‌المللی دولت‌های آمریکایی در بوگوتا تصویب شد. به این اعلامیه در قاره آمریکا نقش ممتازی داده می‌شود (تاموشات، ۱۳۹۸، ۱۰۸). ماده ۲۶ این اعلامیه پس از بیان فرض براءت و محاکمه در دادگاهی قانونی، مقرر می‌دارد که محکوم نباید مورد «مجازات ظالمانه، شرم‌آور و غیرعادی» قرار گیرد. این ماده صرفاً به «مجازات» و نه «رفتار» اشاره نموده است که از این جهت ناقص است. همچنین مجازات غیرعادی به‌نظر واژه درستی نمی‌آید چراکه ممکن است در قانون یک کشور مجازاتی تحقیرآمیز باشد اما عادی جلوه نماید. در این سند نیز با فقدان تعریف مواجه‌ایم.

همچنین در سال ۱۹۶۹ میلادی سازمان دولت‌های آمریکایی کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^{۲۳} را تصویب کرد که از سال ۱۹۷۸ میلادی الزام‌آور شد. در ماده ۲۴^{۲۴} این کنوانسیون حق‌رهایی از شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی اشاره شده است. سازمان پیش‌گفته در سال ۱۹۸۵ میلادی کنوانسیون بین‌آمریکایی در پیشگیری و مجازات شکنجه^{۲۵} را تصویب نمود. ماده ۱ و ماده ۶ دولت‌های عضو را به پیشگیری، مجازات شکنجه و سایر رفتار یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز مکلف می‌سازند. اما ماده ۲ شکنجه را این‌گونه تعریف می‌کند: «هر عملی که به عمد انجام گیرد و موجب درد یا رنج جسمی یا روحی بر شخص به منظور تحقیقات جنایی، وسیله‌ای برای ارباب، مجازات شخصی، به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه، به‌عنوان نوعی کیفر یا هر هدف دیگری شود. شکنجه همچنین به معنای استفاده از روش‌هایی است که برای از بین بردن شخصیت بزه‌دیده یا کاهش توانایی جسمانی یا روانی او به کار گرفته می‌شود هرچند که موجب درد یا ناراحتی روانی نشود.»

۲۱- سازمان دولت‌های آمریکایی قدیمی‌ترین سازمان منطقه‌ای جهان است که قدمت آن به اولین کنفرانس بین‌المللی دولت‌های آمریکایی برمی‌گردد که از اکتبر ۱۸۸۹ میلادی تا آوریل ۱۸۹۰ میلادی در شهر واشینگتن برگزار شد.

22- The American Declaration of the Rights and Duties of Man, 1948

23- American Convention on Human Rights, 1969

۲۴- هیچ‌کس نباید مورد شکنجه، رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد. با همه اشخاص محروم از آزادی باید مطابق با حیثیت انسانی رفتار کرد.

25- Inter-American Convention to Prevent and Punish Torture, 1985

دیوان اروپایی حقوق بشر صراحتاً معیار شدت عمل ارتكابی را در احراز شکنجه ملاک قرار داده است که بعدتر بدان پرداخته می‌شود اما کمیسیون آمریکایی حقوق بشر (که براساس کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر شکل گرفته است) در دعوی کابرا علیه جمهوری دومینیکن بیان می‌دارد که کنوانسیون مذکور و کنوانسیون بین‌آمریکایی در پیشگیری و مجازات شکنجه، در تعریف مفهوم شکنجه یا رفتار یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، از معیار شدت رفتار ارتكابی استفاده نکرده‌اند، بلکه معیارهای عمده بودن رفتار؛ تحمیل درد یا رنج جسمی یا روانی؛ هدف خاص مرتکب؛ مرتکب کارمند یا مقام دولت یا شخص خصوصی‌ای باشد که به تحریک کارمند یا مقام دولتی مرتکب رفتار شود، استفاده کرده است. بنابراین کمیسیون معتقد است که آزادی عمل محدودی به او داده شده تا براساس شدت و جدیت رفتار به ارزیابی یک رفتار خاص به‌عنوان شکنجه یا مجازات یا رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز بپردازد. در عوض باید به‌طور موردی در هر پرونده با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص آن، مدت زمان رنج، اثرات جسمی و یا روانی بر شخص و شرایط خاص بزه‌دیده بررسی شود.^{۲۶}

۲-۱-۲- منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم^{۲۷}

این منشور توسط سازمان اتحاد آفریقا در سال ۱۹۸۱ میلادی تصویب و از سال ۱۹۸۶ میلادی نیز الزام‌آور شد. ماده ۵ این منشور بیان می‌دارد: «هر فردی حق دارد کرامت ذاتی او مورد احترام قرار گیرد و شخصیت قانونی او به رسمیت شناخته شود. هر شکل از استعمار و تحقیر انسان به‌ویژه برده‌داری، تجارت برده، شکنجه، رفتار یا مجازات تحقیرآمیز یا غیرانسانی ممنوع است.» براساس ماده ۳۰ کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم با هدف نظارت و تضمین حقوق مندرج در این منشور شکل گرفت. این کمیسیون در تفکیک سوءرفتارهای مورد بحث، در دو پرونده^{۲۸} به آرای صادره از دیوان اروپایی حقوق بشر رجوع می‌کند و با استناد به توضیحات آن مرجع، اقدام به اعمال معیار شدت و صدور رأی می‌کند. بنابراین برای جلوگیری از تکراری شدن مطالب مستقیماً در قسمت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به تشریح معیار شدت اشاره می‌شود.

26- Luis Lizardo Cabrera v. Dominican Republic, Case 10. 832, Report N° 35/96, Inter-Am. C. H. R. , OEA/Ser. L/V/II. 95 Doc. 7 rev. at 821, 1997, para. 80-82.

27- African (Banjul) Charter on Human and People's Rights, 1981.

28- Curtis Francis Doebbler v. Sudan, 2003, African Commission on Human and Peoples' Rights, Comm. No. 236.

- Huri-Laws v. Nigeria, 2000, African Commission on Human and Peoples' Rights, Comm. No. 225/98.

۳-۱-۲- اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام^{۲۹}

این اعلامیه توسط سازمان کنفرانس اسلامی در شهر قاهره تصویب شد. ماده ۲۰ آن بیان می‌دارد: «دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید یا مجازات هر انسانی جایز نیست، مگر به مقتضای شرع و نباید او را شکنجه جسمی یا روانی کرد یا با وی به گونه‌ای خشن یا ظالمانه یا منافی حیثیت انسانی رفتار کرد. همچنین اجبار هر فردی برای آزمایش‌های پزشکی یا علمی جایز نیست، مگر با رضایت وی و مشروط بر این که سلامتی و زندگی او به مخاطره نیفتد. همچنین تدوین قوانین استثنایی که به قوه مجریه چنین اجازه‌ای را بدهد نیز جایز نمی‌باشد.»

این عقیده که اعلامیه قاهره، اسناد غربی را الگوی خود قرار داده است و به‌شکلی منفعلانه همچون آن اسناد مصادیق پراکنده‌ای از حقوق انسانی را بیان داشته است (کوثری و همکاران، ۱۳۹۸، ۶۱)، دست کم در ارتباط با موضوع این پژوهش نیز صحیح به نظر می‌رسد چرا که این اعلامیه نیز در راستای شناسایی حق‌رهایی از شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی، اصطلاحاتی را به پیروی از اسناد پیش‌گفته به کار برده است اما تعریفی از آن‌ها ارائه نمی‌دهد.

۴-۱-۲- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین)^{۳۰}

این کنوانسیون در ماده ۳ خود بیان می‌دارد: «هیچ فردی متحمل شکنجه یا رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار نخواهد گرفت». همان‌طور که مشخص است این ماده از اصطلاح رفتار ظالمانه صحبتی نکرده است که می‌تواند دلیلی بر هم‌پوشانی این عنوان‌ها ذیل رفتار غیرانسانی باشد که بعدتر و در قسمت تحلیل نهایی بدان پرداخته خواهد شد. مانند اسناد مشابه، این کنوانسیون نیز تعریفی ارائه نمی‌دهد اما براساس ماده ۱۹ برای نظارت بر اجرای حقوق مندرج در این کنوانسیون و پروتکل‌های آن، دیوان اروپایی حقوق بشر شکل گرفت. بر همین مبنا پرونده‌هایی در این دیوان مطرح شده است که می‌توان گفت بیشترین تلاش برای تفکیک این رفتارهای غیرانسانی از یکدیگر در این مرجع رخ داده است.

این دادگاه خود را مقید می‌داند که براساس تفکیکی که در ماده ۳ صورت گرفته است، میان «شکنجه» و «رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز» تفکیک قائل شود.^{۳۱} بدین صورت که این مرجع معتقد است

29- The Cairo Declaration on Human Rights in Islam, 1990

30- Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, 1950

31- Case of Selmouni v. France, Application no. 25803/94, 28 July 1999, para. 96

اساساً ملاک تفکیک این اصطلاحات از یکدیگر، شدت رنج^{۳۲} تحمیل شده از رفتار ارتكابی بر بزه‌دیده است و احراز این شدت^{۳۳} و حداقل شدت^{۳۴} امری کاملاً نسبی است که بستگی به اوضاع و احوال خاص هر پرونده از قبیل مدت زمان رفتار ارتكابی، آثار جسمانی یا روانی آن رفتار و در برخی موارد جنسیت، سن و وضعیت سلامت بزه‌دیده و غیره دارد. بنابراین دیوان اروپایی حقوق بشر معتقد است که رفتاری را می‌توان شکنجه دانست که درد و رنج شدیدی را بر بزه‌دیده وارد نماید.^{۳۵}

اما غالباً و به لحاظ تاریخی شکنجه‌گر بر بزه‌دیده خشونت شدیدی می‌ورزد تا اطلاعات، اقرار و یا مانند این اهداف را به‌دست آورد، در حالی که دیوان مزبور رویکردی متفاوت در این باره دارد زیرا آنچه از نظر دیوان در احراز شکنجه اهمیت دارد، همان شدید بودن و به تبع شدت بالای آن، انگ خاصی^{۳۶} است که به دولت مربوطه وارد می‌شود. به همین دلیل در پرونده ایرلند علیه بریتانیا، بیان می‌دارد که پنج عمل به کار رفته در طول بازجویی‌ها (قرار گرفتن زیر سرپوش؛ مدت‌های طولانی سرپا ایستادن؛ در معرض سروصدا بودن؛ جلوگیری از خوابیدن؛ ممنوعیت آب و خوراک) بدون شک رفتارهای تحقیرآمیز و غیرانسانی‌اند اگرچه به‌صورت مداوم، ترکیبی و سامان‌مند به کار رفته‌اند و هرچند که هدف مرتکبان آن‌ها اخذ اطلاعات بوده است اما متضمن آن میزان رنجی که از شکنجه فهم می‌شود نبودند. بنابراین دادگاه آن پنج رفتار را رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز می‌داند.^{۳۷} با این حال، قرائنی وجود دارد که امروزه این سوءرفتارها از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر ممکن است به‌عنوان شکنجه تلقی شوند (کرایر و همکاران، ۱۳۹۶، ۲۸۸).

این در حالی است که کمیسیون اروپایی حقوق بشر^{۳۸} هدفی خاص را در شکنجه ملاک قرار داده

32- The Intensity of the suffering

۳۳- مندرج در ماده اول کنوانسیون منع شکنجه و سایر سوءرفتارها مصوب ۱۹۸۴ میلادی.

۳۴- مستنبط از ماده سوم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

35- Ibid, para. 100. And Case of Iulius Moldovan, Melenuța Moldovan, Maria Moldovan, Otilia Rostaș, Petru (Gruia) Lăcățuș, Maria Floarea Zoltan and Petru (Dîgăla) Lăcățuș), Applications nos. 41138/98 and 64320/01, 12 July 2005, para 100. And Case of Ireland v. The United Kingdom, Application no. 5310/71, 18 January 1978, para. 167. And Case of Labita v. Italy, Application no. 26772/95, 6 April 2000, para. 120

36- Special Stigma

37- Case of Ireland v. The United Kingdom, Application no. 5310/71, 18 January 1978, para. 167

۳۸- این نهاد براساس پروتکل الحاقی شماره یازده به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در یازدهم مه ۱۹۹۴ میلادی حذف شد.

بود. این نهاد در پرونده یونان بیان داشت که شکنجه رفتاری غیرانسانی و تحقیرآمیز است و نیز دارای هدفی مانند کسب اطلاعات یا اعترافات یا اعطای مجازات و عموماً نوعی تشدید رفتار غیرانسانی است.^{۳۹} بنابراین یک تغییر نگرش از سوی دیوان اروپایی حقوق بشر نسبت به کمیسیون اروپایی حقوق بشر دیده می‌شود.

در مورد رفتارهای غیرانسانی دیوان اروپایی حقوق بشر معتقد است رفتاری مضمول این عنوان است که از قبل برنامه‌ریزی شده باشد (سبق تصمیم)، ساعت‌ها به‌طور مداوم انجام شود و باعث صدمات جسمانی واقعی یا رنج شدید جسمی یا روانی شود.^{۴۰} کمیسیون نیز معتقد بود که رفتار غیرانسانی باید تحقیرآمیز محسوب شود و مفهوم رفتار غیرانسانی اقلأ رفتاری است که باعث درد و رنج شدید روحی یا جسمی می‌شود که در موقعیت خاص توجیه‌نشده است.^{۴۱} همچنین رفتار «تحقیرآمیز» از نگاه این دیوان عبارت است از رفتاری که به‌گونه‌ای در بزه‌دیدگان احساس ترس، اضطراب و حقارت را برانگیزد و موجب کوچک شمردن و خفت آن‌ها شود و نیز مقاومت جسمانی و روانی آن‌ها را بشکند. همچنین در تشخیص این‌که آیا فلان رفتار تحقیرآمیز است یا خیر، دادگاه بررسی می‌کند که آیا هدف مرتکب، تحقیر شخص بوده است و آیا تا آنجا که به عواقب آن رفتار مربوط است، بر شخصیت فرد آن‌قدری تأثیر منفی گذاشته است که با ماده ۳ ناسازگار باشد. با این حال فقدان چنان هدفی نمی‌تواند به‌طور قطع تشخیص نقض ماده ۳ را رد کند.^{۴۲} در مورد این سوءرفتار نیز کمیسیون اروپایی حقوق بشر ابراز کرده بود که رفتار تحقیرآمیز مستلزم تحقیر فاحش^{۴۳} است.^{۴۴}

۲- تحلیل نهایی در مورد معیار تفکیک

با هر انسانی به دو گونه می‌توان رفتار کرد؛ انسانی و غیرانسانی. همین که طرف مقابل انسان باشد، کافی است تا با او انسانی رفتار شود یعنی، متناسب با حقوق بشری‌اش تا هیچ‌گونه درد یا رنج جسمانی یا روانی

39- The Greek Case, Yearbook: European Convention on Human Rights No. 12, page 186.

40- Case of Iulius Moldovan and others, Applications nos. 41138/98 and 64320/01, 12 July 2005, para 101.

Case of Ireland v. The United Kingdom, Application no. 5310/71, 18 January 1978, para. 167.

41- The Greek Case, Yearbook: European Convention on Human Rights No. 12, page 186.

42- Case of Iulius Moldovan, and others, Applications nos. 41138/98 and 64320/01, 12 July 2005, para 101.

Case of Ireland v. The United Kingdom, Application no. 5310/71, 18 January 1978, para. 167.

43- Gross Humiliation

44- The Greek Case, Yearbook: European Convention on Human Rights No. 12, page 186.

غیر از مجازات قانونی بر او تحمیل نشود. در مقابل این نوع از رفتار، رفتار غیرانسانی قرار دارد. رفتارهای غیرانسانی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ رفتار غیرانسانی در معنای خاص (شکنجه) و رفتار غیرانسانی در معنای عام (رفتار ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز). در شناسایی شکنجه از سایر رفتارهای غیرانسانی، چند ویژگی از آن را باید مورد توجه قرار داد که نخستین آن‌ها «شدت» است. این معیار، هم در خود رفتارهای شکنجه‌گر وجود دارد و هم در آثار طولانی‌مدتی که بر زندگی بزه‌دیده پدید می‌آورد. به همین جهت است که گفته می‌شود شکنجه انسان را با چیز بدتری از مرگ روبرو می‌کند و با گشودن بدن به سمت ورود پوسته وحشت، به انفجار احساس هویت و درهم‌شکستن شخصیت می‌انجامد و ضربه شکنجه مانند زمین‌لرزه‌ای است که احساس هویت را تخریب می‌کند. همچنین شکنجه تا جایی بزه‌دیده را می‌رنجاند که در هنگام درمان نیز خود را نشان می‌دهد و اجازه نمی‌دهد که فرد بتواند زندگی خود را از سر بگیرد (لوپروتون، ۱۳۹۹، ۲۰۰).

همان‌طور که از رویه دیوان اروپایی حقوق بشر بیان شد، احراز این شدت امری نسبی است و بستگی به اوضاع و احوال پرونده دارد. اما یک نکته که باید بدان توجه نمود این است که دیوان مزبور، مرجعی در سطح یک قاره است و از آنجا که طبق پروتوکل الحاقی شماره یازده به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، هر شخص حقیقی (فارغ از شرط تابعیت، محل سکونت یا اهلیت) یا شخص حقوقی امکان شکایت از دولت‌های طرف کنوانسیون یا پروتوکل را دارد، ممکن است حجم کاری بالا بر عملکرد دیوان در احراز حداقل شدت لازم در رفتار ارتكابی تأثیر بگذارد، بدین ترتیب که سطح شدت مدنظر خود را بالاتر بگیرد تا بتواند دست کم به تعدادی از پرونده‌ها رسیدگی کند.^{۴۵} بنابراین لزومی ندارد یک مرجع در سطح ملی دقیقاً همان سطح از رنج مدنظر دیوان اروپایی حقوق بشر را ملاک کار خود قرار دهد. به عبارت بهتر مراجع ملی می‌توانند حداقل پایین‌تری را در راستای حمایت از حقوق ملت خود نسبت به مراجع بین‌المللی یا منطقه‌ای در احراز شدت شکنجه مدنظر قرار دهند.

در مقابل این دیدگاه که شدت را ملاک قرار می‌دهد، دیدگاه متفاوتی نیز وجود دارد که معتقد است ملاک تفکیک شکنجه از سایر رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز برخلاف نظر دیوان اروپایی

۴۵- مانند سامانه گزینشگری که در نزد دادستان دیوان بین‌المللی کیفری مطرح است. برای مطالعه بیشتر ر. ک.: ذاکر حسین، محمدهادی، ۱۳۹۷، نظریه «تعقیب موضوعی» به‌عنوان معیار سنجش شدت و اهمیت موضوع قابل تعقیب در دیوان بین‌المللی کیفری، دوفصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره ۱.

حقوق بشر، شدت عمل ارتكابی نیست بلکه ملاک «هدف مرتکب و ضعف بزه‌دیده» است. به عبارت بهتر تا زمانی که فرد آزاد است و در مقابل نیروی پلیس مقاومت می‌کند، اعمال زور بر او تابع اصل تناسب^{۴۶} است و اگر پلیس تناسب را رعایت نماید (حتی اگر سلاح استفاده کند)، رفتار او قانونی است اما به محض این که فرد به کنترل پلیس درآید (به او دست‌بند زده شود یا بازداشت شود) دیگر فشار روحی و روانی مجاز نیست. چراکه ناتوانی فرد دستگیر یا بازداشت شده او را در مقابل هر فشاری آسیب‌پذیر می‌کند. بنابراین هرگونه فشار جسمی یا روانی علیه فرد بازداشت شده با هدف تحقیر، مجازات یا رفتار تحقیرآمیز است و تحمیل هرگونه درد یا رنج شدید برای هدفی خاص همان‌گونه که در ماده اول کنوانسیون منع شکنجه آمده است، شکنجه محسوب می‌شود (Nowak&McArthur,2006,149). به عبارتی دیگر، این نویسندگان، علاوه بر معیار شدت، کنترل فرد بزه‌دیده و هدف مرتکب را برای تفکیک شکنجه از سایر سوءرفتارها ملاک قرار می‌دهند.

ویژگی دیگر این که شکنجه باید به شکل مستقیم یا غیرمستقیم (به رضایت یا به وسیله یا به هر نحو) از سوی مأموران دولتی ارتکاب یابد. البته در بند «ث» از بند دوم ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در تعریف شکنجه هیچ اشاره‌ای به مأموران دولتی نشده است. این عدم اشاره به این دلیل بود که دولت‌ها متوجه شدند جنایت علیه بشریت (که شکنجه ذیل این عنوان قرار می‌گیرد) می‌تواند توسط عامل دولتی یا غیردولتی تحریک یا هدایت شود (ساک کیتی چایساری، ۱۳۹۲، ۱۳۹). اما نگارنده با دیدگاه نخست هم‌نظر است که شکنجه باید از سوی قدرت عمومی واقع شود و از اساس توجه به این رفتار خاص، علاوه بر شدت آن، حضور قدرت عمومی است و در غیر این صورت، این رفتار باید یک ضرب و جرح عادی قلمداد شود.

این ویژگی در درون خود، معیار کنترل را دارا است. همان‌طور که اشاره شد برخی از نویسندگان معیار تشخیص شکنجه را هدف و ضعف بزه‌دیده می‌دانند. این ضعف زمانی وجود دارد که بزه‌دیده شکنجه از آزادی خود محروم و در مکانی بسته (مانند زندان یا بازداشتگاه) باشد یا به نحوی تحت کنترل مأمور دولتی قرار گرفته باشد. در همین راستا گفته‌اند «شکنجه یعنی اعمال خشونت مطلق به فرد دیگری که از هرگونه قدرتی برای دفاع از خود محروم است و کاملاً در کف اختیار جلاد قرار گرفته است. از این زاویه شکنجه را باید نمونه‌ای از قدرت بر یک جامعه یا شخص به‌شمار آورد؛ یعنی مستقیم‌ترین و بی‌واسطه‌ترین شکل سلطه انسان بر انسان یا همان جوهره اصلی امر سیاسی» (لوپروتون، ۱۳۹۹، ۱۸۳).

آخرین ویژگی نیز به هدف مرتکب برمی‌گردد چراکه برخی شکنجه را از اساس متضمن هدفی خاص می‌دانند. شکنجه کردن همان عمل یا ترک عملی است که موجب رنج، آزار و عذاب آدمی با وسایل مخصوص یا ساده می‌گردد تا از این راه از شخص تحت شکنجه اقرار یا اطلاعات گرفته یا اهداف شکنجه‌گر عملی شود (صادقی، ۱۳۹۳، ۱۸). پرسش این است که آیا واقعاً لزومی دارد شکنجه‌گر به دنبال گرفتن اقرار یا اطلاعات یا اعتراف یا مانند این هدف‌ها باشد؟ به نظر می‌رسد این هدف‌های خاص به جهت غلبه تاریخی، از جمله ویژگی‌های شکنجه قرار گرفته‌اند و موضوعیتی ندارند هرچند که غالباً مأمور دولتی به دنبال این هدف‌ها است. اما اگر چنین هدفی در میان نباشد و مأموران دولتی، مخالفان خود را تحت درد و رنج شدید قرار دهند نیز به نظر می‌رسد شکنجه برقرار باشد. در همین ارتباط نیز برخی نویسندگان معتقدند که عامل شدت از اهمیت بیشتری نسبت به عامل هدف برخوردار است و تعجب‌آور خواهد بود که رفتاری از منظر شدت، در بالاترین درجه قرار گیرد و سرانجام به علت فقدان هدف، شکنجه تلقی نشود (پرادل و همکاران، ۱۳۹۵، ۴۳۷). بنابراین هدف مرتکب، به واقع، ویژگی شکنجه محسوب نمی‌شود. به همین جهت است که کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها به درستی و برخلاف اعلامیه سال ۱۹۷۵ میلادی، در بند اول ماده یک خود و بعد از بیان گستره وسیعی از اهداف مانند اخذ اطلاعات، اقرار، تنبیه، ارباب، تخویف و اجبار برای وقوع شکنجه، بروز آن را «به هر دلیل دیگری که مبتنی بر شکلی از اشکال تبعیض باشد» توسعه می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت که «شدت بالا» ویژگی اصلی شکنجه و معیار تفکیک آن از سایر رفتارهای غیرانسانی است.

در ارتباط با رفتارهای غیرانسانی در معنای عام، می‌توان گفت که بدرفتاری یا سوءرفتار، الگویی رفتاری است برای کنترل فردی دیگر که می‌تواند فیزیکی، عاطفی، کلامی، اجتماعی یا جنسی باشد و بدرفتاری از نوع غیرفیزیکی می‌تواند جرأت را کم کند یا اعتماد و عزت نفس فرد را درهم شکند (کیتلسون و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۷). کاملاً مشخص است که مرز میان شکنجه و سایر سوءرفتارها باریک است ولی با آن معیارهایی که بیان شد، شکنجه را از این دسته می‌توان تفکیک کرد و این تفکیک مفید و واقعی است چراکه هم شدت شکنجه بسیار بالاتر از سایر سوءرفتارها است و هم حاوی انگ خاصی^{۴۷} برای مرتکبان یا دولت مربوطه است.

اما طبقه‌بندی میان رفتارهای غیرانسانی عام، براساس شدت رفتار ارتكابی، آن‌گونه که برخی

نویسندگان معتقدند که بعد از شکنجه با رفتار یا مجازات تحقیرآمیز و سپس در مرتبه‌ای پایین‌تر با رفتار یا مجازات غیرانسانی مواجه‌ایم (پرادل و همکاران، ۱۳۹۵، ۴۳۶) همان‌طور که خود در ادامه بیان می‌دارند متضمن فایده‌ای نیست. حتی رویکرد دیوان اروپایی حقوق بشر که به این طبقه‌بندی توجه کرده است، نقدپذیر است چراکه نخست؛ اصطلاح رفتار ظالمانه (هرچند که در ماده سوم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر وجود ندارد، اما در ماده اول کنوانسیون منع شکنجه و سایر سوءرفتارها به‌عنوان سندی بین‌المللی آمده است)، در آرای این دیوان موجود نیست و فقط رفتارهای غیرانسانی را از رفتارهای تحقیرآمیز جدا نموده است که دلیلی بر هم‌پوشانی و درهم‌تنیدگی این اصطلاحات است. دوم؛ این مرجع در احراز رفتار تحقیرآمیز، هدف مرتکب در تحقیر کردن بزه‌دیده را مدنظر قرار داده است اما بلافاصله می‌گوید اگر این هدف در رفتار مرتکب نباشد، مانعی برای احراز نقض ماده سوم نیست.^{۴۸} لذا به باور نگارنده، نیازی به استفاده بی‌مورد از اصطلاحات نیست چراکه هر رفتار غیرانسانی، شأن انسانی را نادیده می‌گیرد و این نادیده گرفتن، متضمن ظلم، تحقیر و نگاهی غیرانسانی بر بزه‌دیده است. به گفته‌ای بهتر، طبقه‌بندی رفتارهای غیرانسانی عام متضمن فایده‌ای و حتی می‌توان مدعی بود که از اساس ممکن نیست.

بنابراین همان‌طور که مشخص است تنها ملاک برای تفکیک شکنجه از سایر سوءرفتارها همان معیار شدت رنج وارده بر بزه‌دیده است و این شدت، امری نسبی و تابع اوضاع و احوال پرونده است. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز کاملاً به متغیر بودن مصادیق این اصطلاحات و به عبارتی ثابت نبودن مرز آن‌ها آگاه بوده است، زیرا بیان می‌نماید که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به‌سان موجودی زنده است که باید براساس اوضاع و احوال زمان تفسیر شود و دادگاه معتقد است اعمال خاصی که در گذشته به‌عنوان «رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز» در مقابل «شکنجه» طبقه‌بندی شده‌اند، می‌توانند در آینده به‌طور متفاوتی طبقه‌بندی شوند.^{۴۹} بدین علت که به‌طور فزاینده‌ای نیاز به حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی وجود دارد، بنابراین نیاز به استحکام بیشتری در ارزیابی نقض ارزش‌های بنیادین جوامع دموکراتیک است.^{۵۰} بر مبنای همین دلیل، ممکن است رفتاری که امروزه رفتاری غیرانسانی تلقی می‌شود، در آینده به‌عنوان

48- Case of Labita v. Italy, Application no. 26772/95, 6 April 2000, para. 120. And Case of V. v. The United Kingdom, Application no. 24888/94, 1999, para. 71. And Case of Raninen v. Finland, 152/1996/771/972, 1997, para. 55.

۴۹- در همین جا هم می‌بینیم که شکنجه را در مقابل سایر رفتارهای غیرانسانی قرار می‌دهد که دلیلی دیگر بر تفکیک‌ناپذیری رفتارهای غیرانسانی عام است.

50- Case of Selmouni v. France, Application no. 25803/94, 28 July 1999, para. 101.

مصدیقی از شکنجه در نظر گرفته شود. اما برعکس این حالت (یعنی تبدیل شدن شکنجه به رفتار غیرانسانی) ظاهراً امکان‌پذیر نیست چراکه همان‌طور که گفته شد، روزبروز حق‌های بیشتر و جزئی‌تری، ذیل حقوق بشر قرار می‌گیرند که نیاز به حمایت از آن‌ها است و روند جامعه انسانی نیز به سمت احترام بیشتر به حیثیت انسانی است.

البته برخی از نویسندگان غیرحقوقی بیان داشته‌اند؛ در گذشته خوراک شاه‌میگو، غذایی سخت و بد به حساب می‌آمد که فقط فقیرها و اسیرها آن را می‌خوردند. به همین دلیل از آن به‌عنوان شکنجه علیه زندانیان در ایالات متحده آمریکا استفاده می‌شد. به گونه‌ای که در بعضی جاها بیش از یک بار در هفته به زندانی‌ها شاه‌میگو نمی‌دادند چون فکر می‌کردند ظالمانه و غیرعادی است. امروزه اما این غذا یکی از غذاهای گران‌قیمت رستوران‌ها محسوب و نیز سالانه جشنواره‌ای برای ترویج و گرمای داشت مصرف این خوراک در لاکلند نیویورک برگزار می‌شود (والاس، ۱۳۹۶، ۶۱). به عقیده نگارنده، اگرچه این مثال یک واقعیت تاریخی است اما نباید موجب گمراهی شود. به دیگر سخن، نسبی‌انگاری نباید راه فراری برای بزه‌کاران شکنجه‌شود تا رفتارهای خود را از ذیل این عنوان خارج نمایند. بلکه باید توجه نمود که نویسنده این مثال، روزنامه‌نگار است و شاید به اندازه اهل حقوق به تعریف یا اهمیت محدوده یک اصطلاح حقوقی آگاه نباشد، زیرا او اصطلاح‌های «شکنجه، رفتاری ظالمانه و غیرعادی» را به‌شکلی در کنار هم و به یک معنا به کار برده است. از طرفی دیگر، در این موضوع نباید نگاهی کلان و تاریخی داشت زیرا در این نگاه غالب رفتارهای آدمی (اگر نگوییم همه رفتارها)، در میان مثبت و منفی در نوسان‌اند و همه چیز نسبی پنداشته می‌شود. بنابراین در جایی که حقوق انسانی نقش بازی می‌کند، واجب است که با عینک حقوق به این مسئله نگریسته شود تا معیاری دقیق برای احراز شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی ارائه و راه سوءاستفاده بسته گردد.

نتیجه

استفاده از اصطلاح‌های متعدد و نامفهوم، خصوصاً هنگامی که پدیده‌ای وارد عرصه جرم‌انگاری می‌شود، هرچند اگر با هدف حمایت از حقوق بزه‌دیده باشد، صحیح به‌نظر نمی‌رسد زیرا موجب فرار و پنهان شدن بزه‌کاران در پس این اصطلاحات می‌گردد. در مورد موضوع این نوشتار باید اشاره کرد که به‌نظر می‌رسد «معیار شدت»، معیار ملموس و صحیح‌تری در مقایسه با سایر معیارها باشد، اگرچه احراز همین معیار نیز در

هر پرونده‌ای می‌تواند متفاوت بروز نماید. بنابراین باید معیار یا معیارهایی برای احراز «معیار شدت»، ارائه شود. به این منظور دادگاه می‌تواند معیارهایی از قبیل سن، جنس، اوضاع خاص بزه‌دیده و اثرات جسمی و روانی رفتار ارتكابی و نیز نوع رفتار و مدت‌زمان رنج وارد شده بر بزه‌دیده را مورد توجه قرار دهد. لذا به‌وسیله معیار شدت می‌توان «شکنجه» را از «سایر رفتارهای غیرانسانی» تفکیک نمود.

پیشنهاد

به‌عنوان پیشنهاد می‌توان این تفکیک را در قالب یک ماده و سه تبصره بیان داشت: ماده: کرامت تمام انسان‌ها مورد احترام است^{۵۱} و ارتكاب هرگونه شکنجه و یا رفتار غیرانسانی با افرادی که به موجب حکم قضایی در مکان‌های محروم‌کننده از آزادی به‌سر می‌برند، جرم است و مرتکب به مجازات^{۵۲} محکوم می‌شود. تبصره اول- شکنجه عبارت است از رفتاری غیرانسانی که به‌شکل عمدی درد یا رنج شدید جسمی یا روانی را از سوی کارگزاران دولتی به شکل مستقیم یا غیرمستقیم بر فردی که به‌نحوی در کنترل آن‌ها است وارد می‌آورد. تبصره دوم- رفتار غیرانسانی عبارت است از رفتاری که به‌شکل عمدی درد یا رنج جسمی یا روانی که شدت آن کمتر از شکنجه است را از سوی کارگزاران دولتی به شکل مستقیم یا غیرمستقیم بر فردی که به‌نحوی در کنترل آن‌ها است وارد می‌آورد. تبصره سوم- در احراز میزان شدت باید سن، جنس، اوضاع خاص بزه‌دیده و اثرات جسمی و روانی رفتار ارتكابی و نیز نوع رفتار و مدت‌زمان رنج وارد شده بر بزه‌دیده مورد توجه دادگاه قرار گیرد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

۵۱- لازم است قانونگذار در ابتدای ماده به حرمت شأن و کرامت انسانی اشاره کند و سپس جرم را اعلام نماید. به این طریق هم قانون کیفری لطیف‌تر و انسانی‌تر می‌شود و هم یکی از مهم‌ترین حقوق انسان‌ها بیان شده است. مونتسکیو در این‌باره می‌گوید: «قانونی که برای مجازات شرارت‌های انسانی وضع می‌شود باید خود سرشار از حسن نیت باشد». به نقل از مالوری، فیلیپ، ۱۳۸۱، اندیشه‌های حقوقی، ترجمه مرتضی کلانتریان، چاپ اول، تهران، انتشارات آگه، ۱۴۶.

۵۲- میزان مجازات در این ماده عمده‌أً مشخص نشده است چراکه این امر نیز نیاز به بررسی دقیق کیفرشناختی، جامعه‌شناختی، انسان‌شناختی و کار گروهی دارد اما بدیهی است که میزان مجازات شکنجه، درکل، بیشتر از سایر رفتارهای غیرانسانی است.

منابع

فارسی

- پرادل، ژان؛ کورستز، گرت؛ فرلمن، گرت، ۱۳۹۵، **حقوق کیفری شورای اروپا**، ترجمه دکتر محمد آشوری، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- تاموشات، کریستیان، ۱۳۹۸، **حقوق بشر**، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- تیلور، آلن جان پرسیوال، ۱۳۹۷، **جنگ جهانی دوم**، ترجمه بهرام فرداد امینی، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- خضری، فاروق ۱۴۰۱، **زبان قانون (تأملی در رابطه زبان و قانون با رویکرد زبان‌شناسی حقوقی)**، چاپ اول، تهران، انتشارات نقد فرهنگ.
- ذاکر حسین، محمدهادی، ۱۳۹۷، نظریه «تعقیب موضوعی» به‌عنوان معیار سنجش شدت و اهمیت موضوع قابل تعقیب در دیوان بین‌المللی کیفری، **دوفصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، شماره ۱.
- ساک کیتی چایساری، کریانگ، ۱۳۹۲، **حقوق کیفری بین‌المللی**، ترجمه دکتر حسین آقایی جنت‌مکان، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل جاودانه.
- صادقی، غلامعباس، ۱۳۹۳، **اخذ اقرار با شکنجه و تطبیق آن با حقوق بشر و حقوق داخلی**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- کرایر، رابرت؛ فریمن، هاگان؛ روینسون، داریل؛ ویلمشورست، الیزابت، ۱۳۹۶، **درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی**، ترجمه مجتبی جانی‌پور و مهین سبحانی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل جاودانه.
- کوثری، وحید؛ مشهدی، علی؛ سلمان‌نوری، مهسا، نقدی بر «اعلامیه ۱۹۹۰ قاهره پیرامون حقوق بشر در اسلام»: خلاصه مبانی یا سایه سنگین الگوی غربی»، **دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، شماره ۱۶.
- کیتلسون، مارک ج.؛ هالی، جان؛ استین، وندی، ۱۳۹۱، **حقایق درباره سوءرفتار**، ترجمه کیومرث فرحبخش و سیدمحسن عامری‌زاده، چاپ اول، تهران، انتشارات آوای نور.
- لوپروتون، داوید، ۱۳۹۹، **درآمدی بر انسان‌شناسی درد و رنج در میان نابودی و نوزایی**، ترجمه ناصر فکوهی، چاپ اول، تهران، انتشارات ثالث.
- مالوری، فیلیپ، ۱۳۸۸، **اندیشه‌های حقوقی**، ترجمه مرتضی کلاتریان، چاپ اول، تهران، انتشارات آگه.
- والاس، دیوید فاستر، ۱۳۹۶، **این هم مثالی دیگر**، ترجمه معین فرخی، چاپ اول، تهران، انتشارات اطراف.

لاتین

- Case of Ireland v. The United Kingdom, Application no. 5310/71, 18 January 1978.
- Case of Iulius Moldovan and others, Applications nos. 41138/98 and 64320/01, 12 July 2005.
- Case of Iulius Moldovan, Melenuța Moldovan, Maria Moldovan, Otilia Rostaș, Petru (Gruia) Lăcătuș, Maria Floarea Zoltan and Petru (Dîgăla) Lăcătuș), Applications nos. 41138/98 and 64320/01, 12 July 2005.
- Case of Labita v. Italy, Application no. 26772/95, 6 April 2000.
- Case of Selmouni v. France, Application no. 25803/94, 28 July 1999.
- Case of V. v. The United Kingdom, Application no. 24888/94, 1999.
- Case of Raninen v. Finland, 152/1996/771/972, 1997.
- Committee Against Torture, General Comment No. 2, Implementation of article 2 by States parties, CAT/C/GC/2, 24 January 2008.
- Curtis Francis Doebbler v. Sudan, 2003, African Commission on Human and Peoples' Rights, Comm. No. 236.
- Ddamulira Mujuzi, J. , 2015, Evidence obtained through violating the right to freedom from torture and other cruel, inhuman or degrading treatment in South Africa, African Human Rights Law Journal, Number 15.
- De Vos, C. M. , 2007, Mind the Gap: Purpose, Pain, and the Difference between Torture and Inhuman Treatment, Summer Program of the Academy on Human Rights and Humanitarian Law, Three Intensive Weeks in Washington, D. C. , May 29-June 15.
- General Comment No. 20, Article 7: Prohibition of Torture, or Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, Forty Fourth Session (1992).
- General Comment No. 7, Article 7: Prohibition of Torture, or Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, Sixteenth session (1982).
- Hirigoyen, M. -F. , 2000, Le harcèlement moral au travail, Paris, Presses Universitaires de France, 2017.
- Huri-Laws v. Nigeria, 1997, African Commission on Human and Peoples' Rights, Comm. No. 225/98.
- Luis Lizardo Cabrera v. Dominican Republic, Case 10. 832, Report N° 35/96, Inter-Am. C. H. R. , OEA/Ser. L/V/II. 95 Doc. 7 rev. at 821.
- Nowak, M. , McArthur, E. , 2006, the distinction between torture and cruel, inhuman or degrading treatment, Torture Volume 16, Number 3.
- The Greek Case, Yearbook: European Convention on Human Rights No. 12.
- Weissbrodt D. , Heilman C. , 2011, Defining Torture and Cruel, Inhuman, and Degrading Treatment, Law & Ineq.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.19- Spring 2024

Jurisprudential Legal Analysis of Rent Based on Time Unit

Homayoun Mafi, Reza Ahmadi Lemraski

A Comparative Study of the Legislative Criminal Policy of Iran and England Regarding Offences Related to Emotional Abuse

Behrooz Javanmard, Sahar Fatemi

Position of Women in Afghanistan from the Perspective of International Human Rights

Mohsen Molaei Fard, Hadi Masoudifar

Analyzing the basic Conditions of Contract Formation in the Conclusion of Electronic Contracts; Responsibilities and Penalties

Zahra Ansarifar, Maryam Kamaei

Recovery of Costs and Security for Costs in Third Party Funding in International Arbitration

Mohammad Mahdi Asadi

Feasibility of Criminal and Legal Prosecution of Government Officials in Violation of Citizens' Right to Health

Mohammad Saeid Hosseini, Mohammad Javad Javid

Assistant in Crime in American and Iranian Law; a Study with an Emphasis on Criminal Instrumentalism

Rohollah Ahangaran

Place of Reason in Deriving Jurisprudence

Ali Karimi, Hasan Sadeghian Meshkani, Sayyed Mohammad Hosein Jazayeri

Analyzing the Rights of Prisoners with an Approach to Domestic and International Institutions

Sayyedeh Mahshid Miri Balajorshari, Amirreza Mahmoudi

The Effect of the Twenty-Year Contract on Bilateral Relations between Iran and Russia in the 13th Government

Sayyed Amin Hosseini, Ahmad Shohani, Iraj Morvati

Promotion of Cultural Rights in the Light of Islamic Religion and Iran's Legal System

Alireza Ansari Mahyari, Zahra Sadat Hosseini

Crimes of Registration of Documents and Real Estate in Iranian Criminal Law

Amir Esmaceli, Navid Motamedarya, Fatemeh Nazarpur

The Criteria for Distinguishing Torture from other Inhuman Treatment

Mahan Ghorbani Pasvisheh

Exceptions to the Principle of Inadmissibility of Objections against the Holder in Good Faith

Sara Farzadimehr, Shapoor Mohammadhosseini, Mohammadreza Haghighi

The Battered Woman Syndrome and Self-defense: A Legal and Empirical Dissent

Maryam Farahi

The Effects of the Guarantee of Good Performance of Obligations in Iranian Law

Aslan alizadeh